

یادداشت

شطرنج قدرت در گلوگاه هرمز



حمیدحسینی

کارشناس انرژی

هفته جاری در اتمسفری از انتظار و تعلیق آغاز شد؛ محافل سیاسی جهان چشم‌انتظار واکنش واشینگتن که ابتکار عمل جدید تهران بودند. ایران کنه در ادوار پیشین مذاکرات الگویی سه‌مرحله‌ای شامل «۱. مذاکره برای پایان مخاصمات، ۲. تدوین رژیم مدیریتی تنگه هرمز و ۳. حل‌وفصل پرونده هسته‌ای» را ارائه داده بود، پس از مخالفت ترامپ با این توالی و ابراز نارضایتی او از اولویت‌بندی‌ها، دست به بازنگری زد. طرح جدید در ۱۴ بند و دو مرحله کلیدی باطرachi شد:

الف: بازگشایی تنگه هرمز در ازای توقف کامل حملات و رفع محاصره دریایی.

ب: آغاز گفت‌وگو در مورد برنامه هسته‌ای و لغو تحریم‌ها.

هرچند مشخص بود واشینگتن با موکول‌شدن بحث هسته‌ای به کام دوم موافقت نخواهد کرد، اما ارائه این پیشنهاد، تمایل ایران برای رفع محاصره دریایی را عیان کرد. این رویکرد، طرف مقابل را به طمع وا داشت که راهبرد محاصره جواب داده و شریان‌های اصلی درآمدی کشور شامل نفت، پتروشیمی و فولاد، در آستانه فروپاشی قرار دارند.

به باور این‌جنب، دومین مسئله راهبردی مذاکره‌کنندگان، پذیرش مسئولیت ارائه پیشنهاد بود؛ در حالی که منطق دیپلماسی ایجاب می‌کرد واشینگتن طرح خود را مطرح کند و ما صرفا در موضع بررسی‌کننده ظاهر شویم.

در این میان، ترامپ با ادبیاتی به‌ظاهر بشردوستانه، طرحی برای گشایش تنگه و نجات شناورها و پرسنل گرفتار اعلام کرد. برخلاف برخی تحلیل‌ها که این حرکت را بسترسازی برای آغاز جنگ سوم قلمداد می‌کردند، بنده در فضای مجازی تصریح کردم لحن بیابنه ترامپ جنگی نیست و می‌تواند پیش‌درآمدی بر گشایش هم‌زمان مسیر دریانوردی و رفع محاصره باشد. ایالات متحده پس از هدف قرارگفتن کشتی توسکا، توقیف دو تانکر در آب‌های هند و عملیات هلی برن بر نفت‌کش غول‌پیکر، دیگر عملیات تهاجمی جدیدی نداشته و صرفا به همدارهای توقف در آب‌های بین‌المللی بسنده کرده است.

جنگ برای تأثیرگذاری در ساختار سیاسی کشور، انهدام ذخایر ۶۰درصدی اورانیوم، نابودی تأسیسات هسته‌ای و انهدام توان موشکی و شهرک‌های موشکی آغاز شد، اما پس از مقاومت کم‌نظر ایران و بروز شکفته‌ن‌های تکنولوژیک در پدافند هوایی که منجر به سرنگونی جنگنده‌ها و ددها پهپاد شد، متوقف شد و اکنون تنگه هرمز در کانون اختلافات دو کشور قرار گرفته است.

تحلیل استراتژیک: جایی که جغرافیا به قدرت تبدیل می‌شود

حسین قتیب، تحلیلگر مسالار راهبردی، معتقد است این بحران‌ها محصول گذار از نظم قدیم به نظمی نوین است. او تأکید دارد جنگ‌های معاصر نه صرفا بر سر خاک، بلکه بر سر قواعد عبور شکل می‌گیرند؛ گلوگاه‌های دریایی کانون تمرکز تجارت، انرژی، قدرت نظامی و نظم حقوقی جهان هستند. تفاوت بنیادین تنگه هرمز با کانال‌های مصنوعی نظیر پاناما و سوئز یا مسیرهایی مثل مالاکا و باب‌المندب در این است که هرمز یک معبر طبیعی است و به دلیل قرارگیری در محدوده آب‌های سرزمینی، نمی‌توان آن را صرفا آب‌های بین‌المللی نامید. اختلال در این گنلگاه، توازن نظامی را دگرگون کرده و ایران را به یک قدرت بلامنازع منطقه‌ای بدل کرده است. بنابراین معتقدم هزینه برای تثبیت مدیریت بر تنگه هرمز، عین اقتدار ملی است؛ چراکه در این نقطه، جغرافیا به سیاست و سیاست به قدرت تبدیل می‌شود.

این مناقشه با وجود خسارت‌های سنگین انسانی و مادی، دستاوردهایی همچون اعتبار جهانی و انسجام ملی داشت، باید از چهره‌هایی که در این کارزار درخشیدند، قدردانی کرد.

در نهایت اینکه عقب‌نشینی مقامات آمریکایی در نیمه‌شب دوشنبه و اعلام اینکه به دنبال تشدید درگیری نیستند، نشان از پیروزی منطق مقاومت داشت.

در بُعد تحلیلی، محاصره دریایی تهدیدی به‌مراتب جدی‌تر از جنگ است. بن‌بست فعلی باید شکسته شود، حتی اگر نیاز به مسلح‌کردن نفت‌کش‌ها باشد؛ چراکه صادرات سالانه ۱۰ میلیون تن LPG و ۲۵ میلیون تن مازوت ما با خطر توقف روبه‌رو است که می‌تواند پایتگاه‌ها را با چالش مواجه کند. و در پایان، مقدرات ایران را به حضرت حق بسپاریم؛ ایرانی که امروز به‌تهایی، رهبر و پیشرو آزادگان جهان است.

کیما نعمت‌اله: افزایش ۶۰درصدی دستمزد کارگران، آن‌هم در شرایطی که یک اقتصاد سال به سال کوچک و کوچک‌تر می‌شود و کشور درگیر جنگ است، موج اخراج کارگران ماهر با دستمزد بالاتر و جایگزینی با نیروی تازه‌کار و بدون مهارت را رقم زده است. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که پیش‌ازین، ریزش مداوم ارزش دلار و شکاف دستمزد دلاری بین نیروی کار ایران و دیگر کشورها سبب شده بود موج خروج گسترده نیروی کار متخصص شکل بگیرد و برخی رسته‌های شغلی ازجمله کادر درمان با کمبود نیروی متخصص مواجه شود.

با این حال کارشناسان می‌گویند موج دوم پس‌زدن نیروی ماهر از بازار کار، دیگر به اختلاف کارگر و کارفرما محدود نمی‌شود و پای بقای بنگاه‌های شغلی در میان است.

اخراج ماهرترها

می‌گویند ۱۰ سال است حسابدار یک شرکت بازرگانی است که بیشتر در زمینه صادرات قیر فعالیت می‌کند؛ امسال حقوق او مطابق قانون کار، حدود ۲۹ میلیون تومان می‌شد اما مدیر شرکت، او را اخراج کرده و یک حسابدار تازه‌کار را استخدام کرده است که به او ۱۶ میلیون تومان حقوق بپردازد. نجوا هم که در بخش تولید محتوای یک استارت‌آپ کار می‌کرد، توضیح می‌دهد قبل از سال نو به بهانه جنگ و کاهش درآمد با تیم چهارنفره تولید محتوای شرکت، دسته‌جمعی خداحافظی کردند؛ گوهی که از خیرنگاران باسابقه و حرفه‌ای بودند اما همان شرکت در سال جدید تیمی از کارمندان جوان و تازه‌کار را استخدام کرده و در پاسخ به اعتراضات گروه قبل، شنیده‌اند شرکت به دنبال جوان‌گرایی است. نجوا تأکید می‌کند این موضوع بهانه‌ایی بیشتر نیست، چراکه شرکت با افزایش ۶۰درصدی دستمزد‌ها در سال جدید، ناچار بود به گروه باسابقه قبلی، دستمزد بیشتری بدهد. این در حالی است که گروه جدید را با قرارداد یک‌ماهه و حداقل حقوق استخدام کرده و قید کرده حق بیمه برای آنها، بعد از شش ماه کار و سپری‌کردن دوره آزمایشی پرداخت می‌شود.

موسوی، معاون یک شرکت قطعه‌سازی خودرو هم روایت مشابهی دارد و به «شرق» می‌گوید کارخانه‌های تولیدی در شرایط جنگ وضعیت نامساعدی دارند و کارخانه آنها با سه هزار کارگر، تاکنون ۲۰۰ نفر را تعدیل کرده است.

او تأکید می‌کند انتخاب کارگران برای تعدیل نیرو بسیار دشوار است و بسیاری از شرکت‌ها معیارهای متفاوتی برای تعدیل کارگران گذاشته‌اند که سابقه کار بالا و دریافتی بیشتر یکی از این معیارهاست.

به گفته موسوی، منطق این شرکت‌ها این است که تعدیل یک نفر با حقوق بالاتر بهتر از تعدیل دو نفر با حقوق کمتر است.

این تولیدکننده توضیح می‌دهد در شرکت قطعه‌سازی مهارت نیروی انسانی بسیار مهم و کلیدی است. بنابراین بارها درباره گروه انتخابی برای تعدیل، تجدینظر رخ داد اما مجبور شده‌اند در مرحله اول زنان مجرد و سپس زنان متأهل را تعدیل کنند که همسر شاغل داشتند و سرپرست خانوار نبودند. در مرحله بعد به سراغ مردان مجرد رفتند.

او درباره چرایی اولویت قراردادن اخراج زنان مجرد در مقایسه با مردان مجرد هم می‌گوید زنان مجرد در صورت بیکاری قانونا می‌توانند حمایت مالی والدین را داشته باشند اما مردان مجرد از ۱۸سالگی سهمی در درآمد و بیمه درمانی والدین خود دارند.

وضعیت از این‌هم وخیم‌تر است و کارگرانی که تعدیل نشده‌اند، توضیح می‌دهند بسیاری از مزایا و رفیف‌های مزدی خود را از دست داده‌اند تا بتوانند کارشان را ادامه دهند. فتحی به عنوان یکی از کارگران این کارخانه تولید قطعات خودرو، می‌گوید: «قبل از جنگ شیفت‌های بیشتری را در کارخانه بودم و سعی می‌کردم تمام اضافه‌کاری‌ها را شیف‌ت باشم تا درآمد بیشتری داشته باشم، اما حالا اضافه‌کاری وجود ندارد و به ما اعلام کردند اگر فضای اقتصادی اکنون ادامه‌دار باشد، در شهریور هم یک‌سری دیگر از کارگران تعدیل می‌شوند.»

مرادی، کارگر دیگر، توضیح می‌دهد بعد از کار در کارخانه به عنوان راننده، در یکی از تاکسی‌های آنلاین کار می‌کرد اما با موج بیکاری پیش‌آمده، دست بالای دست زیاد شده و درخواست کار در تاکسی‌های آنلاین آن‌قدر بالا رفته و تقاضای مسافران کم شده است که دیگر نمی‌تواند روی درآمد مسافرکشی حساب کند. خلم رضایی، یکی از کارکنان دیگر این کارخانه، می‌گوید افزایش حقوق امسال فعلا به تأخیر افتاده است و کارگران مضطرب هستند در صورت اعتراض به وضعیت، اخراج شوند.

موسوی، معاون کارخانه، توضیح می‌دهد افزایش ۶۰درصدی حقوق بیشتر شامل کسانی است که سال اول کارشان را می‌گذرانند؛ یعنی حقوق ۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان به رقم تقریبا ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان رسیده است و نیروی کاری که پیش‌تر حقوق بالاتری دریافت می‌کرد، با افزایش ۴۰درصدی محاسبه می‌شود تا به گفته او تعادلی میان دریافتی نیروهای قدیمی و جدید ایجاد شود.

معلمان هم از این غائله مصون نمانده‌اند و خبرها حاکی از موج اخراج معلمان باسابقه و قدیمی از مدارس غیرانتفاعی است؛ موضوعی که نگرانی والدین را به دنبال داشته است. والدین معتقدند طولانی‌شدن آموزش آنلاین در ایران، کیفیت یادگیری دانش آموزان را به‌شدت کاهش داده است و حالا با

ناتوانی بنگاه‌های اقتصادی در پرداخت هزینه‌ها به اخراج کارگران باسابقه با مزد بالاتر رسید

موج بیکاری متخصصان



موج اخراج معلمان ماهرتر و باسابقه، وضعیت آموزش دانش آموزان در وخیم‌ترین شرایط خود به سر می‌برد.

در همین زمینه مدیر یک مدرسه غیرانتفاعی در نارمک به «شرق» می‌گوید کاهش قدرت خرید سبب شده است میزان ثبت‌نام دانش آموزان در مدارس غیرانتفاعی کاهش محسوس داشته باشد و خانواده‌ها دیگر مثل گذشته برای ثبت‌نام مراجعه نمی‌کنند. برخی خانواده‌ها هم در میانه سال تحصیلی، دانش آموزان را از مدارس غیرانتفاعی به مدارس دولتی منتقل کرده‌اند. بنابراین درآمد مدارس کاهش چشمگیری دارد و دخل، کفاف خرج را نمی‌دهد.

نعمتی، معلم بازنشسته که هم‌اکنون در مدارس غیرانتفاعی مشغول به تدریس است، به «شرق» می‌گوید کاهش قدرت خرید موجب شده معلمان هم با کاهش چشمگیر کلاس‌های خصوصی مواجه شوند و هم کاهش درآمد مدارس غیرانتفاعی در کنار افزایش هزینه‌های جاری مانند اجاره ملک و دیگر هزینه‌ها سبب شده مدارس به اخراج معلمان باسابقه روی آورده و به‌جای آن به سمت استخدام دانشجویا با معلم‌های تازه‌کار بروند؛ افرادی که با دستمزد کمتری حاضر به تدریس هستند.

او ادامه می‌دهد: در سال گذشته معلمانی که ساعتی ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان حق‌التدریس دریافت می‌کردند، حالا با توجه به تورم انتظار دارند دست‌کم دو برابر آن مبلغ گذشته را بگیرند اما مدارس توان پرداخت هزینه‌ها را ندارند و برای همین ترجیح می‌دهند از نیروی کار جوان و کم‌هزینه‌تر استفاده کنند. ضمن اینکه موج بیکاری‌ها سبب شده است تقاضای جوانان با هر رشته تحصیلی برای تدریس در مدارس صعودی باشد.

فراز متخصصان پیش از اخراج

موج اخراج نیروی کار ماهر به دلیل ناتوانی بنگاه‌ها از پرداخت دستمزد بالاتر در شرایطی رخ می‌دهد که پیش از جنگ بسیاری از بنگاه‌های تولیدی و خدماتی از مهاجرت گسترده نیروی کار ماهر به خارج از کشور خبر می‌دادند؛ به‌طوری که کمبود نیروی کار ماهر در برخی مشاغل مانند کادر درمان خبرساز شد و اخباری از مهاجرت گسترده اصناف مختلف مانند خلبانان، متخصصان صنعت نفت، استادان دانشگاه و حتی کارکنان ساختمانی مخابره شد. در کارخانه‌های تولیدی هم گزارش‌های متعددی از کمبود کارگر ماهر رسانه‌ای شد.

حالا این موج تخلیه بنگاه‌های کاری ایران از نیروی انسانی ماهر به اخراج نیروی کار باسابقه به دلیل دستمزد بالاتر رسیده است.

گزارش بنگاه‌های تولیدی و خدماتی درباره ناتوانی از پرداخت دستمزد‌های بالاتر در شرایطی است که این دستمزد‌ها به صورت اسمی بالا به نظر می‌رسد و در واقع سقوط مداوم ارزش ریال سبب سنگین بین نرخ دستمزد و هزینه‌های زندگی شده است. در حال حاضر قیمت دلار از نیمه کانال ۱۷۰ هزار تومان گذشته و به ۱۷۸ هزار تومان و در مقطعی به ۱۹۲ هزار تومان رسیده است. این در حالی است که میانگین بهای دلار در یک دهه قبل و در سال ۱۳۹۴ فقط سه‌هزارو ۴۰۰ تومان بود.

بیشتر از ۵۱ برابر شده است. این در حالی است که حداقل حقوق کارگران در سال ۱۳۹۴ حدود ۷۱۲ هزارو ۴۴۵ تومان بود و در سال ۱۴۰۵ دستمزد کارگران به حدود ۱۶ میلیون و ۶۲۰ هزار تومان رسید. به این ترتیب دستمزد کارگران در طول یک دهه فقط حدود ۲۳ برابر شده، آن‌هم در حالی که قیمت دلار بیش از ۵۱ برابر شده است. این مقایسه به‌خوبی گویای عقب‌ماندگی شدید دستمزد از تورم است. در این شرایط،

کشور درگیر جنگ شده است و نرخ تورم نقطه به نقطه ۷۱درصدی فروردین امسال در شرایطی اعلام شد که اقتصاد ایران هم‌زمان درگیر رکود، بی‌ثباتی و نااطمینانی ناشی از جنگ است؛ وضعیتی که فشارآن به‌طور مستقیم بر بازار کار و معیشت خانوارهاست. در چنین فضایی دولت با هدف کاهش فشار بر کارگران، افزایش ۶۰درصدی دستمزد برای حداقل‌گیران و ۴۵درصدی برای سایر گروه‌ها را تصویب کرد. اگرچه این افزایش با هدف جبران بخشی از کاهش قدرت خرید کارگران انجام می‌شود، اما هم‌زمانی آن با رکود اقتصادی و کاهش ظرفیت‌های تولید و بحران ناشی از جنگ، بسیاری از بنگاه‌ها، به‌ویژه بنگاه‌های خدماتی را که بیشتر بر نیروی کار استوار هستند، با چالشی جدی مواجه کرده است. نتیجه این شرایط در بنگاه‌های کوچک و متوسط به تعدیل نیرو، کاهش ساعت کاری و ظرفیت تولید و خدمت‌رسانی و جایگزینی نیروی ارزان‌تر به‌جای نیروی کار باسابقه بوده است.

مسئله دیگر اختلاف کارگر و کارفرما نیست

کارشناسان معتقدند چالش فعلی و افزایش دستمزد‌ها صرفا یک اختلاف معمول میان کارگر و کارفرما نیست، بلکه نتیجه مستقیم تورم مزمن و رکود و فضای جنگی است که سایه بسنگین این عوامل چرخه اقتصادی را تحت فشار قرار داده است. به اعتقاد تحلیلگران اقتصادی، عبور از شرایط فعلی تنها از مسیر حمایت هم‌زمان از تولید و نیروی کار ممکن است و تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها و کنترل تورم و احیای بازارهای صادراتی می‌تواند از موج بیکاری جلوگیری کند.

حمید حاج‌اسماعیلی، کارشناس بازار کار، به «شرق» می‌گوید: دستمزد فعلی نیروی کار هرچند به صورت اسمی ۶۰ درصد افزایش داشته، اما واقعیت این است قدرت خرید این دستمزد فقط حدود ۹۲ دلار در ماه است که تفاوت چشمگیر و فاحشی با سطح دستمزد در کشورهای منطقه دارد.

این میزان دستمزد حتی از حداقل مزد دلاری در یک دهه قبل که حدود ۲۲۰ دلار می‌شد بسیار کمتر است و در نتیجه واقعیت معیشت چیزی فراتر از افزایش ۶۰درصدی مزد است.

باین‌حال، اسماعیلی معتقد است جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع منوط به تصمیمات کلان و سیاست‌های اقتصادی ویژه در شرایط جنگ است؛ چراکه اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با شرایطی کم‌سابقه روبه‌رو شده است و پیش از آغاز جنگ نیز اقتصاد کشور با رکود و نوسانات نرخ شدید ارز و کمبود ارز مواجه بود. این وضعیت باعث شده بود فعالیت اقتصادی در بسیاری از بازارها دشوار شود و ریسک سرمایه‌گذاری و تولید را به‌شدت افزایش دهد. از طرف دیگر، نارضایتی‌هایی که پیش از جنگ در بازار شکل گرفت تا حد زیادی ناشی از تورم و کاهش قدرت خرید مردم بود و با آغاز جنگ هم به این مشکلات اقتصادی دامن زده شد. بمباران برخی مراکز صنعتی و تولیدی مثل فولاد و پتروشیمی باعث شد اقتصاد کشور هم‌زمان با رکود و تورم شدید و کاهش ظرفیت تولید روبه‌رو شود. بسیاری از کارگاه‌ها فعالیت خود را از دست دادند یا با تعدیل نیرو مواجه شدند. در چنین شرایطی، تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار به هم می‌ریزد و افزایش بیکاری و کاهش فرصت‌های شغلی فشار زیادی برای کارگران به وجود می‌آورد. بنابراین افزایش ۶۰درصدی حقوق و دستمزد‌ها فقط یک اختلاف عادی میان کارگر و کارمند نیست و در این وضعیت برخی بنگاه‌ها برای بقا به سمت کاهش نیروی کار حرکت می‌کنند. درنتیجه، از نظر این کارشناس اولویت اول برای حاکمیت، خروج کشور از فضای جنگی و برقراری ثبات اقتصادی است.

فرامرز توفیقی، دیگر فعال کارگری و کارشناس بازار نیز نظری مشابه دارد و به «شرق» توضیح می‌دهد: بنگاه‌های اقتصادی گرفتار سیکل معیوب شده‌اند؛ چراکه با اخراج نیروی کار ماهر، گرفتار کاهش کیفیت تولید و خدمات می‌شوند و این مسئله می‌تواند بازار آنها را بیش از پیش کوچک کرده و وضعیت اقتصادی‌شان را گرفتار مشکلات بیشتری کند. بنابراین بنگاه‌های تولیدی و خدماتی در شرایط فعلی نیاز به برنامه‌ریزی و حمایت ویژه دولت برای ادامه بقا دارند.

برنامه‌ریزی و حمایت ویژه دولت برای ادامه بقا دارند.

اقتصاد کوچک شود. سهم همگان از یک اقتصاد کاهش پیدا می‌کند و فقر گسترش خواهد داشت و این روند یک روند تدریجی است که با جنگ می‌تواند سرعت پیدا کند.

او تأکید می‌کند: دولت برای جلوگیری از تبعات بعدی کاهش توان اقتصادی کشور باید نهایت کوشش خود را به کار گیرد تا سایه جنگ از سرکنور برداشته شده و زمینه سرمایه‌گذاری در کشور فراهم شود و اقتصاد به دست بخش خصوصی واقعی بیفتد تا بتوان اقتصاد کشور را از گرفتاری در چنین سیکل معیوبی نجات و رفاه عمومی را در کشور افزایش داد.

نوبت دوم	فراخوان مزایده عمومی	نوبت دوم
	(شماره فراخوان: ۱۰۵۰۰۰۰۰۱/۱۰۵۰۰)	
الف) مشخصات مزایده	ب) شرایط الزامی برای شرکت در مزایده	
۱- مزایده‌گزار	نام: شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران منطقه شمال غرب	
	نشانی: زنجان - بلوار پرفسور ثبوتی- روبروی نمایشگاه‌های بین المللی کاسپین	
	موضوع مزایده: فروش ضایعات	
	مبلغ برآورد اولیه: طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری	
	محل اجرای کار: زنجان - منطقه شمال غرب	
	مدت اجرای کار: ۲۰روز	
ردیف	اقلام مزایده (به تفکیک پارت)	مقدار تقریبی(عدد/دستگاه/متر/کیلوگرم /...)
۱	روغن سوخته	۳۰۰۰۰ لیتر
۲	باطری ابزار دقیقی	۱۲۰۰ کیلوگرم

ب) شرایط الزامی برای شرکت در مزایده
۱- به موجب مفاد ماده ۲۱ آیین‌نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی معسوب کمیسیون موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی سال ۱۳۸۸، از انعقاد قرارداد مازاد بر مبلغ ده برابر نصاب معاملات بزرگ یا برنده مزایده مشمول این آیین‌نامه که فاقد صورت‌های مالی حسابرسی شده (توسط سازمان حسابرسی و شرکت‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی کشور) خودداری خواهد شد.
۲- درج کد اقتصادی و شناسه ملی برای اشخاص حقوقی و کدملی برای اشخاص حقیقی در پیشنهاد قیمت مندرج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) الزامی می‌باشد.

ب) مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار

۱- مبلغ تضمین: مبلغ ثابت مطابق جدول فوق
۲- نوع تضمین: به صورت یک یا ترکیبی از تضمین‌های موضوع بندهای الف)، ب)، ج)، د)، ح)، ع) و حـ) و حسب مورد (د ماده ۴ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۹۲-۵ هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲) هبات وزیران را رعایت شرایط زیر می‌باشد.
تضمین به صورت وجه نقد باید به شماره شبا ۰۲۷۳۸۱۰۶۶۸۷۱۲۰۴۶۸۷۱۰۶۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ IR بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بنام شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران واریز گردد و مزایده‌گران باید جهت اخذ رسید واریز وجه نقد به امور مالی مزایده‌گزار مراجعه نمایند.

➤ صرف واریز هر گونه وجه نقد بدون اخذ رسید وجه از امور مالی مزایده‌گزار فاقد اعتبار بوده، تضمین معین متعلق نشده و مردود اعلام می‌گردد.

➤ ضمانتنامه یا رسید واریز وجه نقد باید در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) بارگذاری گردد.

➤ ضمانتنامه‌های صادره از بانک پاسارگاد و بانک سپه فاقد اعتبار بوده و قابل پذیرش نمی‌باشد.

ت) محل، زمان، مهلت دریافت اسناد مزایده، تحویل و گشایش پیشنهادهای تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)

۱- زمان و مهلت دریافت اسناد مزایده: مزایده‌گران مهلت دارند تا ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۵/۷/۲۳ با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی **www.setadiran.ir** نسبت به خرید و دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

۲- زمان و مهلت تکمیل و بارگذاری پیشنهادها در سامانه ستاد و تحویل اصل پاکت الف) (تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار): مزایده‌گران مهلت دارند تا ساعت ۱۳ مورخ۱۴۰۵/۰۳/۲۱ با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) نسبت به بارگذاری اسناد مزایده تکمیل شده اقدام نمایند.

ب) تحویل پاکت الف حاوی اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ضمانتنامه / رسید واریز وجه نقد / ...) به صورت درسته و مهر و لاکر و شده با درج مشخصات مزایده و مزایده‌گر به دفتر کمیسیون مناقصات مزایده‌گزار در مهلت مذکور در این بند (۲) و دریافت رسید تحویل پاکت الزامی است. شایان ذکر است در صورت عدم تحویل پاکت الف حاوی اصل تضمین در مهلت مقرر، پیشنهادهای ارائه شده (پاکت‌های الف، ب و ج) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) گشایش نخواهد شد و پیشنهادها مردود اعلام می‌گردد.

۳- زمان و محل گشایش پیشنهادها: پیشنهادهای ارائه شده در ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۴ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و در محل کمیسیون مناقصات مزایده‌گزار به نشانی: زنجان - بلوار پرفسور ثبوتی - روبروی نمایشگاه های بین المللی کاسپین - شرکت خطوط لوله ومخابرات نفت ایران - منطقه شمال غرب گشایش خواهد شد.

۴- زمان و مکان جلسه توضیحی: زمان بازدید از اقلام و محل از تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۰ تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۹ (از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ فقط در روز های کاری) جلسه توضیحی با شرکت کنندگان و توضیح و تشریح اسناد و اجناس مزایده در تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۹ ساعت ۱۱ به نشانی: زنجان - بلوار پرفسور ثبوتی - روبروی نمایشگاه های بین المللی کاسپین - شرکت خطوط لوله ومخابرات نفت ایران - منطقه شمال غرب تشکیل می‌گردد، حضور یابند.

ت) توضیحات

➤ اطلاع از مواعد و مهلت‌های مزایده از جمله زمان گشایش پیشنهادهای برای مزایده‌گران از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) امکان پذیر می‌باشد.

➤ درج کامل نشانی، تلفن تماس و نماز محل اقامت مزایده‌گران در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برای ارسال دعوتنامه و یا هرگونه اطلاع‌رسانی الزامی است.

➤ در صورت تمایل برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۲۴۳۳-۴۶۰۵۸ تماس حاصل فرمائید.

شش‌شنبه آگهی ۲۱۷۲۳۶۳ روابط عمومی

www.shana.ir

www.setadiran.ir

www.ioptc.ir